

آموزش حل مسئله خانواده محور به والدین و تأثیر آن بر ادراک کودک از والدین

کیوان کاکابرایی^۱، علیرضا مرادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف آموزش حل مسئله خانواده محور به والدین و تعیین اثربخشی آن بر ادراک کودک - والد انجام شد. طرح پژوهش نیمه تجربی از نوع پیش آزمون - پس آزمون - پیگیری با گروه گواه بود. تعداد ۱۲۰ دانش آموز با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و با انتساب تصادفی به دو گروه آزمایشی (۶۰ نفر) و گواه (۶۰ نفر) تقسیم شدند، ابتدا والدین گروه آزمایشی ۱۰ جلسه در کارگاه تربیت کودک / نوجوان اندیشمند شرکت کردند سپس گروه آزمایشی به مدت سه ماه تحت برنامه حل مسئله خانواده محور مورد آموزش قرار گرفتند، برای جمع آوری اطلاعات از نسخه ادراک کودک از والدین (گرونیکی، ریان و دسی، ۱۹۹۷) فرم کودکان استفاده شد. یافته‌ها طبق گزارش کودکان در سه مرحله پیش آزمون - پس آزمون (فاصله سه ماهه) و پیگیری (فاصله یک ماهه) نشان داد، در گروه آزمایشی، بین نمرات پیش آزمون - پس آزمون در زیرمقیاس‌های ادراک کودک - والد تفاوت معناداری وجود داشت اما بین نمرات پس آزمون - پیگیری در زیرمقیاس‌های ادراک کودک - والد تفاوت معنادار نبود. بر این اساس می‌توان نتیجه گیری کرد که آموزش حل مسئله خانواده محور به والدین بر ادراک کودک - والد اثربخش بود و ادراک کودک - والد را بهبود بخشیده است.

واژگان کلیدی: حل مسئله خانواده محور، آموزش والدین، ادراک کودک از والد

۱. استادیار گروه روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی:

kakabraee@gmail.com

۲. استادیار گروه روان شناسی، دانشگاه خوارزمی، پست الکترونیکی: moradi90@yahoo.com

مقدمه

مرور شواهد تجربی مختلف نشان می‌دهد که در قلمرو مطالعاتی روان‌شناسی خانواده، در بین نمونه‌های فرهنگی مختلف، مفهوم تعامل والد - کودک، یکی از مهمترین مفاهیم مورد علاقه پژوهشگران قلمداد می‌شود. به بیان دیگر، پژوهشگران علاقه‌مند به موضوع محوری «الگوهای تبادلی»^۱، در بافت‌های مطالعاتی مختلف، بر نقش تبیینی و تفسیرکننده مفهوم ادراک کودک از والدین^۲، تأکید کرده‌اند (مک کوبی^۳، ۱۹۹۲؛ پوتی و اینگرام^۴، ۲۰۰۸؛ ویمز و پلهم^۵، ۲۰۱۰؛ کلر، گیلبرت، کوس و کامینگز^۶، ۲۰۱۱؛ برور و اسپارکز^۷، ۲۰۱۲؛ توکر و رودریگز^۸، ۲۰۱۴؛ اسمیت و روت^۹، ۲۰۱۵). ادراک کودک از والدین بر اساس روی‌آورد خودمختاری^{۱۰} که زمینه‌انگیزش دارد توسط گروولنیک، ریان و دسی^{۱۱} (۱۹۹۷) مطرح شده است. روی‌آورد خودمختاری سوگیری انگیزشی والدین را در مقابل پدیدآیی انگیزش کودکان پراهمیت تلقی می‌کند و روابط والد-کودک، را در دو بعد شامل تشویق استقلال در مقابل حمایت مفرط همچنین پذیرش در برابر طردشدگی توصیف می‌کند. بر این اساس حمایت والدین از خودمختاری یا استقلال، اتکا به خود و رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان را تقویت می‌کند از سوی دیگر حمایت از پذیرش در برابر طردشدگی نیز بیانگر انتقال میزان عشق و پذیرش از سوی والدین به کودک است (گروولنیک و همکاران، ۱۹۹۷). بر اساس این الگوهای تبادلی، کودکان در تحول اجتماعی خود تأثیرگذارند. مغایر با این الگوی مؤثر، دیگر شواهد تجربی، تعامل در خانواده را بیشتر یک‌سویه در نظر گرفته‌اند و تحول اجتماعی کودک را متأثر از شیوه فرزندپروری والدین دانسته‌اند (مک کوبی، ۱۹۹۲؛ بامریند^{۱۲}، ۱۹۹۱؛ نقل از شکوهی یکتا و پرند، ۱۳۸۷). درحالی‌که امروزه مسئله جامعه‌پذیری کودک را یک دیدگاه دوطرفه، توصیف می‌کنند

۱. Transactional Models
۲. child's perception of parents
۳. Maccoby
۴. Pottie & Ingram
۵. Wymbs & Pelham
۶. Keller, Gilbert, Koss & Cummings
۷. Brewer & Sparkes
۸. Tucker & Rodriguez.
۹. Smetana & Rote
۱۰. Warmth
۱۱. Groulnik, Deci & Ryan
۱۲. Boumrind

که حکایت از نقش مؤثر کودکان در خانواده دارد (زارت و ملزرلانگ^۱، ۲۰۱۱؛ بار کلی^۲، ۲۰۱۳؛ توکر و رودریگز، ۲۰۱۴). بنابراین باید این نکته را در نظر داشت که فرایند تعامل والد - کودک در خانواده یک امر دوسویه است و هر دو گروه والدین و فرزندان از یکدیگر تأثیر پذیرند. بر این اساس، همسو با نتایج برخی از پژوهش‌های انجام شده در قلمرو مطالعاتی تعامل دوسویه کودک - والد، بررسی نقش سبک والدگری در عوامل چندگانه تغییردهنده الگوی پاسخ به تجارب و پسایندهای وابسته به این تجارب در بین کودکان، از اهمیت چشمگیری برخوردار است (جانسون و مش^۳، ۲۰۰۱؛ پوتی و اینگرام، ۲۰۰۸؛ کلر و همکاران، ۲۰۱۱؛ شکوهی یکتا، شهبان و پرند، ۱۳۹۱؛ کاکابرایی، ۱۳۹۵).

بدون تردید، لازمه ادراک مناسب کودکان از والدین شان کاربست الگوی فرزندپروری کارآمد است. به بیان دیگر شیوه تربیتی والدین را می توان شاخصی معتبر برای پیش بینی چگونگی ادراک کودک از والدین تلقی کرد. بر این اساس برقراری ارتباط صحیح و مؤثر والدین با کودکان، مهمترین اصل فرزندپروری است که لازمه آن شناخت مسائل کودکان و درک تفاوت دیدگاه های آنها است (شومن شان^۴، ۲۰۱۳). در همین راستا آرسنیو و لمریز^۵ (۲۰۱۰) دو احتمال را برای تبیین رابطه والد - کودک مطرح کرده است، ۱) احتمال نخست بر این باور است که کودکان شبیه به بزرگسالان به دنیا پیرامونی پاسخ می دهند و ۲) طبق احتمال دوم کودکان روش های متفاوتی در فکر کردن، احساس کردن و رفتار کردن دارند که با روش بزرگسالانه متفاوت است (به نقل از میلر^۶، ۲۰۱۱). طبق نظر پژوهشگران حوزه روان شناسی تحولی احتمال دوم مبنی بر تفاوت دیدگاه والدین با کودکان محتمل تر است زیرا تفاوت های فراوانی در ابعاد روانی، شناختی، اجتماعی و اولویت های آموزشی در بین گروه های اشاره شده مشهود است (فروند و باتلس^۷، ۲۰۰۰؛ کاکان^۸، ۲۰۰۳؛ بار کلی، ۲۰۱۳؛ میلر، ۲۰۱۱؛ منصور، ۱۳۹۱). بنابراین می توان استنباط کرد که مداخله در جهت اصلاح شیوه فرزندپروری از طریق آموزش والدین، باعث ارتقای مهارت های والدین در

۱. Zahrt & Melzer-Lange
۲. Barkly
۳. Johnston & Mash
۴. Schuman Shana
۵. Arsenio & Lemerise
۶. Miller
۷. Freund & Batles
۸. Kagon

درک افکار، احساسات و رفتارهای خود و دیگران به ویژه در تعامل با فرزندانشان می‌شود، همچنین این روند تغییر والدین بر ادراک کودکان از والدین نیز اثر مثبتی می‌گذارد. شواهد تجربی تحولی نگر نشان داده است مداخله حل مسئله محور به عنوان یک روش ساختارمند و کارآمد در ارتقای تعامل دو سویه والد-کودک نقشی موثر دارد (کسیدی و تیلور^۱، ۲۰۰۵؛ بلنچر-فیلد^۲، ۲۰۰۷؛ کسیدی، ۲۰۰۹؛ شومن شان، ۲۰۱۳؛ حاتمی فرد، کافی و خوش‌روش، ۱۳۹۰؛ کاکابرایی، ۱۳۹۵). الگوی حل مسئله به فرایندی شناختی-عاطفی-رفتاری اطلاق می‌شود که به کمک آن افراد برای حل مسائلی که در موقعیت‌های زندگی واقعی تجربه می‌کنند، تلاش می‌کنند (سی‌یو و شک^۳، ۲۰۰۵) که شامل چهار مرحله است: الف) تعریف مسئله و ضابطه‌بندی^۴ آن، ب) تعیین هدف^۵، ج) ارائه راه‌حل‌های جایگزین^۶ و د) اجرای راه‌حل و واریسی^۷ (دزوریلا و نزو^۸، ۲۰۰۱). حال در یک سطح بنیادی، و همسو با هدف اصلی انجام این پژوهش این سؤال مطرح می‌شود که چگونه آموزش حل مسئله به والدین ادراک کودکان از والدینشان را تغییر می‌دهد؟ در راستای پاسخ به سؤال مطرح شده، باید اذعان نمود که پژوهش‌های محدودی در زمینه تغییر ادراک کودکان از والدین از طریق آموزش حل مسئله یا سایر روش‌های مداخله انجام شده است (گروولنیک و همکاران، ۱۹۹۷). اما نتایج برخی از مطالعات نشان داده‌اند آموزش روش حل مسئله به‌طور مستقیم یا از طریق والدین و معلمان در کاهش رفتارهای نامناسب کودکان و بهبود رفتارهای اجتماعی آنها مؤثر است (شور و هیلی^۹، ۱۹۹۳؛ شور، ۲۰۰۱؛ سی‌یو و شک^{۱۰}، ۲۰۰۵؛ بلنچر-فیلد، ۲۰۰۷؛ شومن شان، ۲۰۱۳؛ پوگلیس و وایت^{۱۱}، ۲۰۱۴؛ بک، ویلیامز، کتنگ، اپرلی و چاپل^{۱۲}، ۲۰۱۶). در همین راستا پژوهش کیسلا، مک دونالد، فلمنگ و درومند^{۱۲} (۲۰۰۵) نشان داد آموزش حل مسئله به مادران موجب ارتقای کفایت و مهارت اجتماعی کودکانشان

۱. Cassidy & Taylor

۲. Blanchard-Fields

۳. Siu & Shek

۴. Problem Definition And Formulation

۵. Goal Setting

۶. Generation Of Alternative Solutions

۷. Solution Implementation And Verification

۸. D'Zurilla & Nezu

۹. Shure & Healey

۱۰. Pugliese & White

۸. Beck, Williams, Cutting, Apperly & Chappell

۱۲. Kysela, McDonald, Fleming & Drummond

شده همچنین بهبود رابطه با فرزندان و جو خانواده را فراهم ساخته است (نقل از شکوهی یکتا، اکبری زردخانه، پرند و پوران، ۱۳۹۱). پژوهش درلی^۱ (۲۰۰۹) با هدف بررسی اثر برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مهارت‌های اجتماعی کسب شده کودکان حاکی از بهبود معنادار مهارت‌های حل مسئله و ادراک احساسات دیگران از سوی کودکان بود، همچنین اثر برنامه آموزشی پس از یک سال در مرحله پیگیری، همچنان ماندگار بود. در پژوهش ندیم بال و سانگار^۲ (۲۰۱۵) نیز تأثیر آموزش برنامه بین فردی بر مهارت‌های ارتباطی نوجوانان بررسی شده بود، یافته‌ها نشان داد که برنامه آموزش مهارت‌های اجتماعی به طور معنی داری مهارت‌های ارتباطی و آگاهی از ادراک دیگران را افزایش داده بود، همچنین بعد از گذشت هشت ماه از آموزش در مرحله پیگیری، اثر این آموزش همچنان پایدار باقی مانده بود. مطالعه جاب شیلد^۳ (۲۰۱۵) نیز نشان داد افزایش مهارت حل مسئله در والدین و کاربست آن در ارتباط با فرزندان باعث تقویت پیوندهای عاطفی گردیده و این کودکان در محیط‌های بیرونی کمتر دچار مشکلات ارتباطی شده‌اند. چیلینگ و سامنتا^۴ (۲۰۱۶) نیز در پژوهشی بر نقش آموزش به والدین بر ارتقای شبکه خانواده تأکید کرده‌اند. اُه و بایر^۵ (۲۰۱۵) نیز در پژوهشی نشان دادند تقویت ارتباط کودک - والد موجب حل مشکلات ارتباطی کودکان می‌شود و از سوی دیگر والدین درک صحیحی از رفتار کودکان اکتساب می‌کنند. در همین راستا نتایج پژوهش دیگری نشان داده‌است با آموزش مهارت‌های حل مسئله به والدین تغییر شناخت و ارتباط موثر والدین با کودکانشان، بهبود چشمگیری داشته‌است و همچنین باعث درک مثبت کودکان نسبت به خود و والدینشان شده‌است (کولالیلو و جانستون^۶، ۲۰۱۶). پژوهش شکوهی یکتا، پرند، شهبان و متولی پور (۱۳۸۷) با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعامل والد - کودک و بهبود رفتارهای چالش برانگیز کودکان انجام شد، نتایج نشان داد که سبک تعاملی والدین پس از آموزش به طور معنی داری بهبود یافته، به طوری که آموزش روش حل مسئله به والدین بهبود سبک تربیتی والدین، همچنین موجب بهبود رفتارهای چالش برانگیز کودکان شده بود. در پژوهشی دیگر

۱. Dereli

۲. Nedim Bal & Sungur

۳. Jobe-Shields

۴. Schilling & Samantha

۵. Oh & Bayer

۶. Colalillo & Johnston

در ایران تأثیر آموزش روش تربیتی مبتنی بر حل مسئله بر روش فرزندپروری و رفتارهای خشمگینانه والدین انجام شد، نتایج نشان داد آموزش روش حل مسئله به والدین باعث کاهش رفتارهای خشمگینانه آنها نسبت به فرزندان شده است و سبک تربیتی آنان بهبود چشمگیری داشته است (شکوهی یکتا، پرند، شهبان و اکبری زردخانه، ۱۳۹۰). این یافته را شکوهی یکتا، پرند، اکبری زردخانه (۱۳۹۳) در پژوهشی دیگر تأیید کرده اند. در پژوهش دیگر شکوهی یکتا، شریفی و متعمد یگانه (۱۳۹۴) نشان دادند که آموزش مهارت حل مسئله به مادران بر تعامل والد-کودک مؤثر بوده و نتایج حاکی از آن بود که کارگاه تربیت کودک اندیشمند به طور معناداری موجب کاهش زیرمقیاس های بیش‌حمایتگری، طرد فرزند و باعث افزایش زیرمقیاس های پذیرش فرزند و بهبود رابطه مادر-کودک شده است. در همین راستا کاکابرایی (۱۳۹۵) در پژوهش خود با هدف بررسی تأثیر آموزش حل مسئله خانواده محور بر ارتباط والد-کودک دانش آموزان دوره ابتدایی، به این نتیجه دست یافت که آموزش حل مسئله خانواده محور به والدین، سبب بهبود ارتباط والدین با فرزندانشان می‌شود.

با توجه به شواهد تجربی اشاره شده می‌توان ادعانمود به صورت مشخص پژوهشی در راستای بررسی آموزش حل مسئله خانواده محور به والدین و بررسی اثر آن بر ادراک کودک از والدین مورد غفلت قرار گرفته است که انجام این پژوهش این گستره را مورد توجه قرار داده است و به نوعی وسعت بخشیده است. بنابراین نظر به اهمیت فرزندپروری و نقش آن در ارتقای روابط بین فردی خانواده‌ها و در نتیجه جامعه، ارائه برنامه‌های مدون آموزش والدین مبتنی بر آموزش حل مسئله محور امری ضروری تلقی می‌شود. حال می‌توان بیان نمود، سبک تربیتی والدین از مهم‌ترین مفاهیمی است که بیانگر نحوه تعامل والدین با فرزندان است، در چنین شرایطی اگر هر موقعیت تعامل با کودک و نوجوان را به یک مسئله تعبیر کنیم، باید سبک تربیتی را نوعی مهارت حل مسئله والدین در موقعیت‌های مربوطه با فرزندان قلمداد کرد. از سوی دیگر بهره‌گیری از سبک فرزندپروری حل مسئله محور از سوی والدین شناخت و ادراک فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد که پژوهش حاضر را می‌توان تلاشی جهت بررسی این مهم قلمداد کرد. برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور از برنامه "کارگاه تربیت کودک/نوجوان اندیشمند"^۱ که توسط شور (۲۰۰۱، ۲۰۰۰) طراحی

۱. Raising a Thinking Child /pre teen

گردیده، اقتباس شده است. مهم‌ترین هدف‌هایی که در برنامه آموزش حل مسئله خانواده/مدرسه محور دنبال شد عبارت‌اند از: ۱) آموزش چگونگی اندیشیدن و نه به چه اندیشیدن که به کودکان و نوجوانان کمک می‌کند تا بتوانند در مواجهه با مسائل درون فردی و میان فردی به راه‌حل‌های مختلف بیندیشند و بهترین راه‌حل را اتخاذ نمایند، ۲) به کارگیری روش حل مسئله محور از سوی والدین، در تعامل با کودکان و تغییر درک کودک از والدین (شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۳۸۷، ۱۳۹۱). همچنین از مهم‌ترین مهارت‌هایی که در جلسات کارگاه حل مسئله خانواده محور به والدین آموزش داده می‌شود می‌توان به ۱- درک احساسات دیگران و نقطه نظرات آنان، ۲- درک انگیزه‌ها، ۳- یافتن راه‌حل‌های متعدد، ۴- در نظر گرفتن عواقب و نتایج امور و ۵- برنامه‌ریزی متوالی، اشاره نمود. بنابراین آموزش حل مسئله محور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم برای کودکان و نوجوانان یک راهبرد پیشگیری-بهبودی تلقی می‌شود زیرا مهارت‌های کسب شده از طریق برنامه‌ای حل مسئله محور کفایت‌های بهداشت روان‌شناختی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. از این رو، با توجه به آنچه ذکر شد می‌توان اظهار نمود که آموزش حل مسئله به والدین و کاربست آن در تعامل با فرزندان شان می‌تواند باعث بهبود ادراک کودکان شان گردد. بر اساس این مفروضه مطالعه حاضر با هدف آموزش حل مسئله خانواده محور به والدین و تعیین تأثیر آن بر ادراک کودک از والدین و همچنین بررسی میزان ماندگاری آن انجام شده است. به عبارت دیگر پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی این مسئله است که آیا آموزش حل مسئله خانواده محور بر بهبود ادراک دانش‌آموزان دوره ابتدایی اثربخش است؟ همچنین آیا اثر این برنامه آموزشی با گذشت زمان همچنان ماندگار است؟ امید این تجربه علمی فرصت‌های ارزشمندی در جهت برنامه‌ریزی مبتنی بر یافته‌های علمی را فراهم نماید و نیز موجب گردد تا گامی مهم در امر برنامه‌های پیشگیرانه در جامعه هدف برداشته شود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا، نیمه تجربی از نوع طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون - پیگیری با گروه کنترل^۱ است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های چهارم، پنجم و ششم مدارس ابتدایی دولتی عادی شهر کرمانشاه در سال تحصیلی ۱۳۹۵ است. گروه نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری

۱. pretest-posttest - follow up with control group design

تصادفی مشتمل بر ۱۲۰ دانش‌آموز که در سه پایه ی چهارم، پنجم و ششم در مدارس ناحیه یک دخترانه (آناهیتا قباویان، سیمین دخت رای) و پسرانه (شاهد شیرزادی، منوچهر شریفی) مشغول به تحصیل بودند انتخاب شدند. در این پژوهش نمونه ۱۲۰ نفری با تفکیک پایه تحصیلی و جنسیت شامل ۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر پایه چهارم، ۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر پایه پنجم و ۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر پایه ششم بود که با انتساب تصادفی به دو گروه آزمایشی و گواه تقسیم شدند. برای انتخاب گروه‌های نمونه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی و والدین، ابتدا با هماهنگی سازمان آموزش و پرورش شهر کرمانشاه و در پی فراخوان مسئولان یادشده در زمینه معرفی کارگاه‌های حل مسئله خانواده محور برای والدین انجام شد. سپس مسئولان کارگاه‌ها در طی یک جلسه آموزشی، برنامه کارگاه‌ها را به گروه والدین معرفی کرده و از آنان درخواست به عمل آمد تا در صورت تمایل به شرکت در کارگاه مذکور، ثبت‌نام مقدماتی انجام دهند. سپس دانش‌آموزانی که حداقل یکی از والدین آن‌ها ثبت‌نام مقدماتی نموده‌اند و والدین آن‌ها موافق شرکت در کارگاه مذکور بودند، به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب و ثبت‌نام نهایی به عمل آمد. ملاک‌های ورود عبارت بودند از: ۱) سن ۱۰ تا ۱۲ سال و قرار داشتن در پایه تحصیلی چهارم تا ششم دبستان (افراد مذکور نمی‌بایست هرگز در گذشته مردود شده باشند)، ۲) تعهد و همکاری لازم والدین. ملاک‌های خروج شامل: ۱) داشتن نوعی بیماری پزشکی که فرد را وادار به جستجوی فوری درمان سازد، ۲) عدم تمایل و رضایت والدین در شرکت فعال در کارگاه بود.

ابزار پژوهش

مقیاس ادراک کودک از والدین (POPS)^۱: این مقیاس توسط گرونیچک و همکاران (۱۹۹۷) ساخته شده که توسط دانش‌آموزان بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت، گزینه‌های کاملاً موافقم (۷) تا کاملاً مخالفم (۱) تکمیل می‌گردد. این مقیاس دارای ۲۰ گویه (۱۰ گویه مربوط به مادر و ۱۰ گویه مربوط به پدر) و شامل ۴ زیر مقیاس رفتارهای درگیر شونده مادر، رفتارهای حمایت مستقلانه مادر، رفتارهای درگیر شونده پدر و رفتارهای حمایت مستقلانه پدر است. گرانیک و همکاران (۱۹۹۱) به منظور تعیین روایی و پایایی این مقیاس از روش‌های تحلیل عاملی و همسانی درونی استفاده نمودند. افزون بر این در مطالعات متعدد نیز، پایایی و

۱. Perception of Parents Scale (POPS)

روایی مطلوبی برای این ابزار گزارش شده است (گرولنیک و همکاران ۱۹۹۷؛ لطیفیان و خوشبخت، ۱۳۸۴؛ نقل از البرزی، ۱۳۹۳). خرازی و کارشکی (۱۳۸۸) اعتبار کلی ابزار و اعتبار زیر مقیاس ها آن را بین ۰/۶۴ تا ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند، همچنین باباخانی (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی روایی این ابزار را مورد بررسی قرار داده و اعتبار کلی ابزار را ۰/۹۴ گزارش کرده است (نقل از حجازی، صادقی و شیرزادی، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر، ضرایب آلفای کرانباخ طبق گزارش دانش آموزان برای زیر مقیاس‌های رفتارهای درگیر شونده‌ی مادر، رفتارهای حمایت مستقلانه مادر، رفتارهای درگیر شونده‌ی پدر و رفتارهای حمایت مستقلانه پدر به ترتیب برابر با ۰/۷۴، ۰/۷۸، ۰/۷۶ و ۰/۶۹ و در کل ۰/۷۹ به دست آمد.

شیوه اجرا. با توجه به طرح تحقیق، داده‌ها در سه مرحله (قبل آموزش و بعد آموزش به مدت سه ماه سپس مرحله پیگیری با در نظر گرفتن مدت مقرر یک‌ماهه) گردآوری شده است. بدین منظور ابزارهای پژوهش قبل از شروع آموزش در بین گروه‌های، دانش آموزان (آزمایشی و گواه)، اجرا شد؛ پس از اتمام آموزش به والدین، سه ماه بعد پرسش‌نامه‌های مذکور مجدداً اجرا و داده‌ها جمع‌آوری گردید، در نهایت بعد از یک ماه جهت بررسی ماندگاری برنامه حل مسئله خانواده محور، مرحله پیگیری انجام شد. در این پژوهش از برنامه "کارگاه تربیت کودک/نوجوان اندیشمند" که توسط شور (۲۰۰۰، ۲۰۰۱) طراحی گردیده است، استفاده شد. برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور به مدت ۱۰ جلسه دو ساعته به والدین گروه آزمایشی آموزش داده شد، سپس به منظور اثربخشی برنامه تربیت کودک / نوجوان اندیشمند به مدت ۳ ماه این برنامه بر روی دانش آموزان در خانه توسط والدین آموزش دیده با نظارت هفتگی مجریان طرح اجرا گردید در نهایت یک ماه پس از پس‌آزمون مرحله پیگیری نیز اجرا گردید. کارگاه تربیت کودک/نوجوان اندیشمند برای والدین کودکان ده تا دوازده سال طراحی شده است. هدف این کارگاه‌ها افزایش مهارت‌های کودک در برخورد مؤثر با مسائل مختلف در خانه و محیط بیرون خانه است. توجه اصلی کارگاه بر آموزش والدین در استفاده از شیوه کارآمد تعاملی با کودک و نوجوان در حل مسائلی است که در ارتباط با والدین و همسالان برای کودک و نوجوان پیش خواهد آمد. در قالب کتاب تمرین^۱ این کارگاه، طرح درس‌هایی ارائه شده است که در آن والدین با

۱. Workbook

توجه به آموزش‌هایی که در کارگاه می‌بینند، مسئول‌اند تا کودکان و نوجوانان را به‌سوی حل مسئله هدایت کنند. لازم به ذکر است، در ایران نیز پژوهش‌های متعددی در مقاطع مختلف برنامه‌های آموزش حل مسئله مدار بر روی نمونه‌های متفاوت اجرا نموده‌اند. در همین راستا شکوهی یکتا و همکاران در پژوهش‌های (۱۳۸۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴، ۱۳۹۳) اعتبار و روایی این برنامه آموزشی را تأیید کرده‌اند. در ادامه خلاصه محتوا و هدف هر جلسه اشاره می‌شود:

ردیف	هدف	محتوا	تکالیف
جلسه اول	آشنایی با دوره کودکی و اهمیت آن	تشریح اهداف کارگاه و بررسی اهمیت آن با تأکید بر چهار شیوه تربیتی والدین	پخش کلیپ میوه درخت گردو و ارائه و توضیح برگه تمرین
جلسه دوم	آشنایی با مهارت‌های حل مسئله و روش‌های تربیتی والدین	درک احساسات دیگران، درک انگیزه دیگران، یافتن راه حل‌های جایگزین، در نظر گرفتن عواقب و نتایج کار و برنامه ریزی متوالی	پخش کلیپ غم فردای موهوم
جلسه سوم	پرداختن به مقوله احساسات	تشریح اهمیت شناخت و بیان احساس‌ها در زندگی واقعی در تعامل با فرزندان	پخش کلیپ رسائل و ارائه جدول موقعیت‌های احساسی
جلسه چهارم	پرداختن به موضوع گوش کردن فعال	بررسی گوش دادن به عنوان یکی از اجزای حل مسئله و چگونگی کاربست آن در تعامل با فرزندان	پخش کلیپ کیمیای دوست، ارائه برگه تمرین خوب گوش کردن
جلسه پنجم	پرداختن به مبحث درک انگیزه‌ها	در نظر گرفتن دلایل متعدد بروز یک رفتار با هدف متمایز کردن رفتارهای خصمانه یا عمدی از رفتارهای تصادفی یا غیر عمدی	پخش کلیپ بهترین شما، دادن جزوه جلسه پنجم و ارائه برگه تمرین درک انگیزه‌ها
جلسه ششم	پرداختن به مقوله راه حل‌ها	چگونگی پیدا کردن راه حل‌های جایگزین بدون ارزش‌گذاری آنها از طریق تشویق فرزندان به تفکر درباره موقعیت‌های ساختگی و بیان برخی از نمونه‌ها (نقاشی یا داستان‌های نصفه)	پخش کلیپ نامه ۳۲
جلسه هفتم	پرداختن به مبحث نتایج و عواقب	تشریح گفت و گو از طریق حل مسئله در موقعیت‌های ساختگی و زندگی واقعی	پخش کلیپ سینی و ارائه برگه آموزش تفکر بر اساس نتایج
جلسه هشتم	پرداختن به مهارت برنامه ریزی متوالی	چگونگی طرح گام‌ها به سوی هدف، پیش‌بینی موانع احتمالی، زمان‌بندی فعالیت‌ها، چقدر طول خواهد کشید؟ و یکپارچه‌سازی گام‌های مختلف	پخش کلیپ دو لیمو

تمرین های ترکیبی با تشکیل	پرداختن به ترکیب
گروه های سه نفر و ارائه داستان	جلسه مهارت های حل
های ناقص و تکمیل آن توسط شرکت کنندگان	مسئله و مروری بر به وسیله پرسش و پاسخ از شرکت کنندگان
شرکت کنندگان	سوال های والدین
به گروه های سه نفره برگه های	
ارزیابی حل مسئله داده شد	
سپس از شرکت کنندگان	جلسه مروری بر مطالب فرا
خواسته شد تا روش استفاده	مرور نهایی بر گفت گو به شیوه حل مسئله،
شده در آن عبارت را مشخص	جمع بندی و در نهایت اجرای ارزیابی
نمایند	

یافته های پژوهش

در جدول (۱)، نمرات محاسبه شده شاخص های توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد زیر مقیاس های ادراک کودک از والدین در مراحل پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری به تفکیک، طبق گزارش والدین ارائه می شود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد زیر مقیاس های ادراک کودک از والدین

پیمایی	پس آزمون		پیش آزمون		مرحله	آماره ها متغیر
	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار	انحراف میانگین معیار		
۲/۱۲	۱۸/۴۳	۲/۱۲	۱۸/۴۳	۲/۶۳	۱۶/۷۰	رفتارهای درگیر شونده آزمایش
۲/۹۴	۱۷/۵۰	۲/۹۴	۱۷/۵۰	۲/۴۶	۱۷/۳۸	مادر گواه
۲/۴۵	۱۷/۲۵	۲/۴۵	۱۷/۲۵	۵/۹۸	۱۶/۷۸	رفتارهای حمایت مستقلانه آزمایش
۲/۶۲	۱۶/۳۵	۲/۶۲	۱۶/۳۵	۲/۰۲	۱۶/۶۵	مادر گواه
۲/۸۶	۱۷/۹۳	۲/۸۶	۱۷/۹۳	۳/۲۷	۱۴/۱۷	رفتارهای درگیر شونده آزمایش
۳/۷۱	۱۴/۹۷	۳/۷۱	۱۴/۹۷	۲/۹۰	۱۵/۰۲	پدر گواه
۲/۴۲	۱۶/۴۷	۲/۴۲	۱۶/۴۷	۲/۲۲	۱۵/۶۳	رفتارهای حمایت مستقلانه آزمایش
۲/۶۳	۱۵/۱۳	۲/۶۳	۱۵/۱۳	۲/۴۶	۱۵/۷۰	پدر گواه

جدول (۱)، میانگین و انحراف استاندارد پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری زیر مقیاس های ادراک کودک از والدین در گروه های آزمایش و گواه طبق گزارش دانش آموزان را

نشان می‌دهد. همان‌طور که مشهود است نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش در تمام زیر مقیاس‌ها در مراحل پس‌آزمون و پیگیری افزایش چشمگیری داشته است. یکی از مفروضه‌های آزمون تحلیل کوواریانس چند متغیری همگونی ضرایب رگرسیون است. آزمون همگونی ضرایب رگرسیون از طریق تعامل پیش‌آزمون زیر مقیاس‌های رفتار درگیر شوند مادر، رفتار حمایت مستقلانه مادر، رفتارهای درگیر شونده پدر، رفتار حمایت مستقل مادر و متغیر مستقل (روش درمان) در مرحله پس‌آزمون مورد بررسی قرار گرفت. تعامل این پیش‌آزمون‌ها با متغیر مستقل معنادار نبوده و حاکی از همگونی ضرایب رگرسیون بود. از دیگر مفروضه‌های مهم تحلیل کوواریانس چند متغیری، بررسی همگونی واریانس دو گروه در مرحله پس‌آزمون است که از آزمون همگونی واریانس‌های لون استفاده شد که نتایج آن در جدول (۲)، آمده است.

جدول ۲. نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس‌ها در زیرمقیاس‌های ادراک کودک از والدین

متغیر	F	df _۱	df _۲	سطح معنی‌داری
رفتار درگیر شوند مادر	۰/۰۰۱	۱	۱۱۸	۰/۹۷۲
رفتار حمایت مستقلانه مادر	۰/۱۶۵	۱	۱۱۸	۰/۶۸۵
رفتارهای درگیر شونده پدر	۱/۰۷	۱	۱۱۸	۰/۳۰۲
رفتار حمایت مستقلانه مادر	۱/۲۵	۱	۱۱۸	۰/۲۶۶

نتایج جدول (۲)، نشان داد که آزمون لون محاسبه‌شده در مورد هیچ‌یک از متغیرهای موردبررسی از لحاظ آماری معنی‌دار نبود؛ {رفتار درگیر شونده مادر؛ $P=0/972 > 0/05$ و $F(1, 118)=0/001$ ، {رفتار حمایت مستقلانه مادر؛ $P=0/685 > 0/05$ و $F(1, 118)=0/165$ و {رفتارهای درگیر شونده پدر؛ $P=0/302 > 0/05$ و $F(1, 118)=1/25$ و {رفتار حمایت مستقلانه مادر؛ $P=0/266 > 0/05$ و $F(1, 118)=1/25$ } بنابراین مفروضه همگونی واریانس‌ها نیز تأیید شد. به‌منظور بررسی پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات در جامعه از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمرات در جامعه، برای متغیرهای تحقیق در جدول (۳)، ارائه شده است.

جدول ۳. آزمون کولوموگراف- اسمیرنوف در مورد پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات زیرمقیاس های ادراک کودک از والدین

متغیر	Z کولوموگراف اسمیرنوف	سطح معناداری
رفتار درگیر شوند مادر	۱/۴۶	۰/۰۵۸
رفتار حمایت مستقلانه مادر	۱/۳۲	۰/۰۶۱
رفتارهای درگیر شونده پدر	۱/۱۴	۰/۰۹
رفتار حمایت مستقلانه پدر	۱/۲۴	۰/۰۸۹

همان طور که در جدول (۳)، مشاهده می شود فرض صفر برای نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای تحقیق تأیید می گردد. به عبارت دیگر پیش فرض نرمال بودن توزیع نمرات در پس آزمون برای متغیرهای تحقیق تأیید شد. برای بررسی تأثیر مداخله انجام شده بر زیر مقیاس های ادراک کودک از والدین باید از تحلیل کوواریانس (مانکووا) چند متغیره استفاده کرد، پس از بررسی پیش فرض ها و برقراری آن ها نتایج تحلیل در جدول ۴، آمده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از تحلیل مانکووا بر روی میانگین نمره های پس آزمون زیرمقیاس های ادراک کودک از والدین و گروه های آزمایش و گواه، با کنترل پیش آزمون

نام آزمون	مقدار	F	فرضیه df	df خطا	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
اثر پیلایی	۰/۲۳۸	۸/۶۶	۴/۰۰	۱۱۱/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۳۸	۰/۹۹۹
لامبدای ویلکس	۰/۷۶۲	۸/۶۶	۴/۰۰	۱۱۱/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۳۸	۰/۹۹۹
اثر هتلینگ	۰/۳۱۲	۸/۶۶	۴/۰۰	۱۱۱/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۳۸	۰/۹۹۹
بزرگ ترین ریشه روی	۰/۳۱۲	۸/۶۶	۴/۰۰	۱۱۱/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۳۸	۰/۹۹۹

همان طور که در جدول (۴)، مشاهده می شود میزان تأثیر آموزش حل مسئله خانواده / مدرسه محور ۰/۲۳ بوده است و این بدان معناست که ۰/۲۳ واریانس نمرات پس آزمون متغیرهای وابسته مربوط به عضویت گروهی بوده است. توان آماری ۱ و سطح احتمال نزدیک به صفر، دلالت بر کفایت حجم نمونه است. همچنین با کنترل پیش آزمون سطوح معناداری همه آزمون ها بیانگر آن هستند که بین دانش آموزان گروه های آزمایش و گواه حداقل در یکی از متغیرهای وابسته (زیر مقیاس های ادراک کودک از والدین) تفاوت معنی داری وجود

دارد. برای پی بردن به این تفاوت نتایج حاصل از آزمون تحلیل کوواریانس آنکوا در متن مانکوا در جدول شماره (۵)، آورده شده است.

جدول ۵. نتایج حاصل از تحلیل آنکوا در متن مانکوا بر روی میانگین نمره‌های پس‌آزمون و پیگیری زیرمقیاس‌های ادراک کودک از والدین

توان آماری	اندازه اثر	سطح معنی‌داری	F	درجه آزادی	مرحله	زیرمقیاس‌ها
.۷۳۵	۰/۰۵۶	۰/۰۱۰	۶/۸۱	۱	پس‌آزمون	رفتار درگیر شونده مادر
.۸۲۷	۰/۰۷۰	۰/۰۰۴	۸/۵۷	۱	پیگیری	رفتار درگیر شونده مادر
.۷۵۲	۰/۰۵۹	۰/۰۰۹	۷/۰۸	۱	پس‌آزمون	رفتار حمایت مستقلانه مادر
.۷۵۱	۰/۰۵۸	۰/۰۰۹	۷/۰۳	۱	پیگیری	رفتار حمایت مستقلانه مادر
۱	۰/۲۱۸	۰/۰۰۱	۳۱/۸۶	۱	پس‌آزمون	رفتار درگیر شونده پدر
۱	۰/۲۱۸	۰/۰۰۱	۳۱/۸۶	۱	پیگیری	رفتار درگیر شونده پدر
.۹۷۹	۰/۱۲۵	۰/۰۰۱	۱۶/۲۶	۱	پس‌آزمون	رفتار حمایت مستقلانه پدر
.۹۷۹	۰/۱۲۵	۰/۰۰۱	۱۶/۲۸	۱	پیگیری	رفتار حمایت مستقلانه پدر

چنانچه از جدول (۵)، مشاهده می‌شود آموزش حل مسئله خانواده/ مدرسه محور بر رفتار درگیر شونده مادر، رفتار حمایت مستقلانه مادر، رفتار درگیر شونده پدر و رفتار حمایت مستقلانه پدر در دانش آموزان گروه آزمایش در پس‌آزمون مؤثر بوده است ($f = 6/81$ و $P < 0/010$ ؛ $f = 7/08$ و $P < 0/009$ ؛ $f = 31/86$ ؛ $P < 0/001$ و $P < 0/001$ ؛ $f = 8/57$ و $P < 0/004$ ؛ $f = 16/26$ و $P < 0/001$ ؛ $f = 7/03$ و $P < 0/009$ ؛ $f = 31/86$ ؛ $P < 0/001$ و $P < 0/001$ ؛ $f = 16/28$ ؛ $P < 0/001$)؛ بنابراین میانگین نمرات پس‌آزمون و پیگیری گروه آزمایش به‌طور معنی‌داری در زیرمقیاس‌های ادراک کودک از والدین متفاوت از گروه گواه است. به عبارتی می‌توان گفت که برنامه حل مسئله خانواده/ مدرسه محور به‌طور معنی‌داری موجب بهبود ارتباط والد-کودک دانش‌آموزان گروه آزمایش در مرحله‌ی پس‌آزمون و همچنین در مرحله پیگیری شده است و این برنامه دارای قابلیت اعتماد و روایی لازم است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف آموزش حل مسئله خانواده محور به والدین و بررسی تأثیر آن بر ادراک کودک از والدین انجام شد. طبق گزارش مشارکت کنندگان نتایج این پژوهش نشان

داد، برنامه حل مسئله خانواده محور بر ادراک کودک از والدین و زیر مقیاس‌های آن شامل رفتار درگیر شونده مادر، رفتار حمایت مستقلانه مادر، رفتار درگیر شونده پدر و رفتار حمایت مستقلانه مادر تأثیر مثبت داشته است. به عبارت دیگر در گروه آزمایشی تمامی نمرات زیر مقیاس‌های ادراک کودک از والدین در مقایسه با نمرات پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون افزایش چشمگیری داشته است. همچنین در مقایسه نمرات پس‌آزمون- پیگیری گروه آزمایش مشخص شد که تمامی زیر مقیاس‌های ادراک کودک از والدین کمترین تغییر را نشان داده است؛ که بیانگر ماندگاری معنادار تغییرات حاصل از آموزش حل مسئله خانواده محور در مرحله پیگیری است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های درلی (۲۰۰۹)، ندیم بال و سانگار (۲۰۱۵)، جاب شیلد (۲۰۱۵)، آه و بایر (۲۰۱۵)، چیلینگ و سامنتا (۲۰۱۶)، کولالیلو و جانستون، (۲۰۱۶)، شکوهی یکتا و همکاران، (۱۳۹۴) همسو است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر و سایر شواهد تجربی می‌توان اظهار نمود، آموزش روش حل مسئله خانواده محور بخش مهمی از مداخله شناختی، رفتاری است که به ارتقای ادراک کودک از والدین کمک می‌کند. در همین راستا و همسو با نتایج پژوهش حاضر برخی از مطالعات نشان داده‌اند که با آموزش مهارت‌های حل مسئله و تغییر شناخت، تعامل کودکان با والدیشان بهبود یافته و برقراری ارتباط مناسب با همسالان و افزایش پذیرش اجتماعی و بالا رفتن نگرش مثبت به خود را موجب شده است (شور، ۲۰۰۱؛ بلنچر- فیلد، ۲۰۰۷؛ شامون شان، ۲۰۱۳؛ پوگلیس و وایت، ۲۰۱۴؛ بک و همکاران، ۲۰۱۶). علاوه بر این مطالعات دیگر نشان داده‌اند آموزش روش حل مسئله به طور مستقیم یا از طریق والدین و معلمان در کاهش رفتارهای نامناسب اجتماعی کودکان و بهبود رفتارهای اجتماعی آن‌ها مؤثر است پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند که آموزش مهارت حل مسئله به والدین و کودکان نشان موجب شده رفتارهای ضداجتماعی کودکان کاهش یافته و سلامت روانی آنان افزایش یابد، همچنین نتایج این پژوهش‌ها حاکی از آن است که برنامه آموزش حل مسئله باعث افزایش درک متقابل کودک- والد می‌شود (کسیدی، ۲۰۰۹؛ زارت و ملزرلانگ، ۲۰۱۱؛ بارکلی، ۲۰۱۳؛ توکر و رودریگز، ۲۰۱۴؛ حاتمی فرد و همکاران، ۱۳۹۰؛ شکوهی یکتا و همکاران، ۱۳۹۲؛ کاکابرابی، ۱۳۹۵).

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و سایر شواهد تجربی می‌توان اظهار نمود، که لازمه درک صحیح کودک از والدین فراهم بودن یک ارتباط کارآمد و دوسویه بین والد- کودک است. باید توجه داشت که والدین نقش بسیار مهمی در پدیدآیی تعامل والد -

کودک دارند. به عبارتی دیگر در سالهای اولیه حضور کودک در خانواده وظیفه پرورش فرزندان بر عهده والدین است. حال اگر والدین از سبک والدگری قدرتمند استفاده نکنند و یا اطلاعات مفیدی در راستای شیوه‌های تعاملی با فرزندان در اختیار نداشته باشند، فضای خانواده مملو از نابسامانی، اختلاف و مشاجره می‌شود، در چنین شرایطی کودک ادراک مناسبی از والدین کسب نمی‌کند. در همین راستا گروولنیک و همکاران (۱۹۹۷) به این امر صحنه گذاشته‌اند که اگر والدین از رفتارهای مستقلانه فرزندان حمایت نمایند خود اتکایی و رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان افزایش می‌یابد. همچنین اگر والدین فرزندشان را طرد نکنند و به گرمی مورد حمایت و پذیرش قرار دهند عشق و پذیرش بین والد - کودک برقرار می‌گردد. بنابراین روابط ناکارآمد والد و کودک منبع مهمی برای روابط مختل است. بر این اساس و با توجه به شواهد پژوهشی اشاره شده می‌توان بر آموزش مهارت‌های حل مسئله به والدین که زمینه تعامل مؤثر بین فردی در خانواده را فراهم می‌سازد و از منابع پیشگیری از مشکلات، ارتباطی و شناختی کودک در آینده است، به عنوان یک ضرورت پژوهشی انکارناپذیر تأکید کرد. در همین راستا نتایج پژوهش حاضر نشان داد، که از یک طرف آموزش حل مسئله خانواده محور به والدین باعث تغییر و اصلاح سبک والدگری آنها در مواجهه با پرورش فرزندان می‌شود و از طرف دیگر، استفاده از این راهبردها حل مسئله محور از سوی والدین اثرات مثبتی بر ادراک کودک از والدین به همراه دارد. بنابراین، برنامه آموزش حل مسئله خانواده محور از طریق سازوکارهای مواجهه، ارزیابی، واکنش‌پذیری و مقابله مطلوب والدین بر تجارب ادراکی کودکان اثر می‌گذارد. شکوهی یکتا و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی ارتقای تعامل والد - کودک را از طریق آموزش روش‌های نوین فرزند پروری، با استفاده از کارگاه کودک اندیشمند مورد بررسی قرار دادند، نتایج نشان داد که آموزش مبتنی بر حل مسئله باعث افزایش تعامل والد - کودک و کاهش روش تنبیه و توییح در والدین می‌شود همچنین فرزندان پس از آموزش والدینشان از طریق برنامه حل مسئله ابراز رضایت بیشتری از ارتباط با والدین خود گزارش کرده‌اند. بنابراین می‌توان بیان نمود والدین در ایجاد کارکرد سالم به‌ویژه در سال‌های کودکی که فرزندان در حال الگوبرداری و همسان‌سازی با آنها هستند، نقش بسیار مهمی دارند. چنانکه اشاره شد از مهم‌ترین عامل کمک‌کننده به ایجاد فضای سالم در خانواده بهبود تعاملات متقابل والد - کودک از طریق کاربست مهارت‌های حل مسئله خانواده محور است.

همانند سایر پژوهش‌ها یافته‌های پژوهش حاضر باید در بافت محدودیت‌های آن تفسیر و تعمیم داده شود. نخست آنکه، این مطالعه نیز مانند بسیاری از مطالعات دیگر به دلیل استفاده از ابزارهای خود گزارش دهی به جای مطالعه رفتار واقعی ممکن است مشارکت کنندگان را در پاسخ به سؤال‌ها به استفاده از شیوه‌های مبتنی بر کسب تأیید اجتماعی و اجتناب از بدنامی مربوط به عدم کفایت فردی ترغیب کند. به بیان دیگر، به منظور تأیید مقیاس‌های خود گزارش دهی از مشاهده رفتاری و شاخص‌های بالینی استفاده نشد. دوم، با توجه به آنکه گروه نمونه پژوهش حاضر را والدین و فرزندانشان تشکیل دادند، آزمون اثرات بین جنسی، از نظر پژوهشگران مطالعه حاضر دورمانده است. در مجموع، پژوهش حاضر در قلمرو مطالعات موجود درباره روش‌های مواجهه ترجیحی کودکان به نقش سبک والدگری «مکمل» و «بسط‌دهنده» تلقی می‌شود. یافته‌های اخیر شواهد تجربی تازه‌ای درباره تأثیر آموزش حل مسئله به والدین و بررسی ادراک کودکان از والدین در بین نمونه‌های مورد بررسی فراهم آورده است و می‌تواند برای پژوهشگران علاقه‌مند به مطالعه نقش آموزش حل مسئله خانواده محور بر ادراک کودک از والدین، بازخورد مفیدی باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود استفاده از برنامه آموزشی حل مسئله خانواده محور در جامعه جدی تلقی گردد و شرایطی فراهم شود تا تمامی خانواده‌ها به این مهارت‌های کاربردی مجهز شوند در همین راستا بهره‌گیری از پتانسیل رسانه‌های جمعی جهت آگاهی بخشی عمومی اقدامی بایسته تصور می‌شود. همچنین، بررسی اثر محتوای برنامه آموزشی با در نظر گرفتن عامل جنسیت در گروه‌های مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد.

در مجموع، مطالعه تغییر پس‌ایندهای ادراکی چندگانه در مواجهه با تجارب والدینی در بین کودکان مانند رفتار درگیر شونده و رفتار حمایتی مستقل پدر و مادر و افزایش اثربخشی در تجربه نقش سبک والدگری، به مثابه نتیجه آموزش روش‌های انطباقی و سازش یافته برنامه آموزشی حل مسئله محور، یکی از مهم‌ترین الویت‌های پژوهشی و بکار بسته فراروی پژوهشگران و مسئولین قلمداد می‌شود.

منابع

- البرزی، محبوبه. (۱۳۹۳). رابطه ادراک از والدین و خلاقیت اجتماعی در کودکان با واسطه گری باورهای انگیزشی در روابط دوستانه. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، دوره ششم، شماره دوم، ۸۱-۶۱.
- حاتمی فرد، سیروس؛ کافی، سید موسی؛ خوش‌روش، وحید. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله و مهارت ابراز وجود والدین بر میزان سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی فرزندان آنان. *فصلنامه فرهنگ مشاور و روان‌درمانی*، دوره ۲، شماره ۷، ۶۷-۸۲.
- حجازی، الهه؛ صادقی، ناهید؛ شیرزادی فرد، میثم. (۱۳۹۲). رابطه باورهای اساسی و ادراک روابط والدینی با بهزیستی ذهنی دانش آموزان. *مجله روانشناسی مدرسه*، دوره ۲، شماره ۶۱، ۴-۴۳.
- خرازی، علینقی؛ کارشکی، حسین. (۱۳۸۸). بررسی رابطه مؤلفه های ادراک والدین با راهبرد های یادگیری خود تنظیمی. *تازه های علوم شناختی*، ۱۱(۱)، ۵۵-۴۹.
- شکوهی یکتا، محسن؛ اکبری زرخانه، سعید؛ پرند، اکرم؛ پوران، فاطمه. (۱۳۹۱). ارتقاء تعامل والدین و فرزندان با استفاده از آموزش روشهای نوین فرزندپروری، روش ها و مدل های روان شناختی، سال دوم، شماره دهم، ص ۱۴-۱.
- شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم. (۱۳۸۷). آموزش روش حل مسئله به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی. *مجله خانواده پژوهی*، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱۶-۵.
- شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم؛ شهبان، آمنه؛ متولی پور، عباس. (۱۳۸۷). تأثیر آموزش مهارت های حل مسئله بر تعامل والد-کودک و بهبود رفتارهای چالش برانگیز کودکان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، شماره ۳، ۹-۲۴.
- شکوهی یکتا، محسن؛ شهبان، آمنه؛ پرند، اکرم. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی خانواده*. تهران: انتشارات تیمورزاده.
- شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم؛ اکبری زردخانه، سعید. (۱۳۹۳). اثربخشی آموزش مهارت حل مسأله بر استرس و سبک فرزند پروری والدین. *دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، سال ۱۵، شماره ۳، ۵۳-۴۵.

شکوهی یکتا، محسن؛ پرند، اکرم؛ شهبان، آمنه؛ اکبری زردخانه، سعید. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش روش تربیتی مبتنی بر حل مسأله بر روش فرزند پروری و رفتارهای خشمگینانه والدین. *روشها و مدل‌های روان‌شناختی*، سال دوم، شماره ۶، ۴۵-۵۶.

شکوهی یکتا، محسن؛ شریفی، علی؛ معتمد یگانه، نگین. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارتهای حل مسأله بر تعامل والد-کودک. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، سال ۱۲، شماره ۴۵، ۱۴-۳.

کاکابرایی، کیوان. (۱۳۹۵). تأثیر آموزش حل مسأله خانواده محور بر ارتباط والد-کودک دانش آموزان دوره ابتدایی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، سال هفتم، شماره ۲۶، ۸۵-۶۱.

منصور، محمود. (۱۳۹۱). *روانشناسی ژنتیک تحول روانی از تولد تا پیری*. تهران: انتشارات سمت.

- Barkly, R.A. (۲۰۱۳). *Attention-deficit hyperactivity disorder: A handbook for diagnosis and treatment* (۲nd ed). New York: Guilford press.
- Beck, S. R., Williams, C., Cutting, N., Apperly, I.A. & Chappell, J. (۲۰۱۶). Individual differences in children's innovative problem-solving are not predicted by divergent thinking or executive functions, *philosophical transactions. Phil. Trans. R. Soc. B* ۳۷۱: ۲۰۱۵۰۱۹۰. pp ۱-۱۱.
- Blanchard-Fields, F. (۲۰۰۷). Problem Solving and Emotion: An Adult Developmental. Perspective, *Current Directions in Psychological Science*, ۱۶(۱), ۲۶-۳۱.
- Brewer, J.D., & Sparkes, A.C. (۲۰۱۲). *Young people living with parental bereavement: Insight from an ethnographic*.
- Cassidy, T. (۲۰۰۹). Bullying and victimization in school children: the role of social identity, problem-solving style, and family and school context. *Soc Psychology Educ*, ۱۲, ۶۳-۷۶.
- Cassidy, T., Taylor, L. (۲۰۰۵). Coping and psychological distress as a function of the bully victim dichotomy in older children. *Social Psychology of Education*, ۸(۳), ۲۴۹-۲۶۲.
- Colalillo, S., Johnston, C. (۲۰۱۶). "Parenting Cognition and Affective Outcomes Following Parent Management Training: A Systematic Review", *Clinical Child and Family Psychology Review*, Volume ۱۹, Issue ۳, pp ۲۱۶-۲۳۵.
- D'Zurilla, T. J., & Nezu, A. M. (۲۰۰۱). *Problem-solving therapies. In Dobson KS (Ed) Handbook of Cognitive-Behavioral Therapies*, ۲nd ed. New York: Guilford Press.

- Dereli E. (۲۰۰۹). Examining the permanence of the effect of a social skills training program for the acquisition of social problem-solving skills. *Social Behavior and Personality*, ۳۷(۱۰), ۱۴۱۹-۱۴۲۸. doi: ۱۰.۲۲۲۴/sbp.۲۰۰۹.۳۷.۱۰.۱۴۱۹.
- Grolnick, W. S., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (۱۹۹۷). *Internalization within the family: The self-determination theory perspective*. In J. E. Grusec & L. Kuczynski (Eds.), *Parenting and children's internalization of values: A handbook of contemporary theory* (pp. ۱۳۵-۱۶۱). New York: Wiley.
- Grolnick, W.S., Ryan, R.M., & Deci, E.L. (۱۹۹۱). The inner resources for school achievement: Motivational mediators of children's perceptions of their parents. *Journal of Educational Psychology*, ۸۳, ۵۰۸-۵۱۷.
- Jobe-Shields, F. (۲۰۱۵), "Parent-Child Automaticity: Links to Child Coping and Behavior and Engagement in Parent Training", *Journal of Child and Family Studies*, Volume ۲۴, Issue ۷, pp ۲۰۶۰-۲۰۶۹.
- Johnston, C., & Mash, E. J. (۲۰۰۱). Families of children with ADHD: Review and recommend actions for future research. *Child and Family Psychology Review*, ۴(۳): ۱۸۳-۲۰۷.
- Kagan, J. (۲۰۰۳). 'Biology, Context, and Developmental Inquiry', *Annual Reviews Psychology*, Vol. ۵۴.
- Keller, PD., Gilbert, L. R., Koss, K. J., Cummings, EM., Davies, PT. (۲۰۱۱). Parental Problem Drinking, Marital Aggression, and Child Emotional Insecurity: A Longitudinal Investigation. *J Stud Alcohol Drugs*, ۷۲(۵), ۷۱۱-۷۲۲.
- Maccoby, E. E. (۱۹۹۲). The role of parents in the socialization of children :An historical overview. *American psychologist*, ۴۸, ۱۰۰۶-۱۰۱۷.
- Miller, P.H. (۲۰۱۱). *Theories of developmental psychology*. United States of America- New York: Catherine Woods.
- Nedimbal P, Sungur G. (۲۰۱۵). The effect of social skills training program on adolescents. *Journal of International Social Research*, ۸(۳۹), ۶۹۹-۷۰۲.
- Oh, Elizabeth, Bayer, Jordana K. (۲۰۱۵). "Parents' help-seeking processes for early childhood mental health problems", *Child and Adolescent Mental Health* ۲۰, No. ۳, pp. ۱۴۹-۱۵۴.
- Pottie, C. G., & Ingram, K. M. (۲۰۰۸). Daily stress, coping, and well-being in parents of children with autism: A Multilevel modeling approach. *Journal of Family Psychology*, ۲۲(۶): ۸۵۵-۸۶۴.
- Pugliese, Cara E, White, Susan W. (۲۰۱۴). "Brief Report: Problem Solving Therapy in College Students with Autism Spectrum Disorders: Feasibility and Preliminary Efficacy", *Journal of Autism and Developmental Disorders*, Volume ۴۴, Issue ۳, pp ۷۱۹-۷۲۹.

- Schilling, Samantha. S. (۲۰۱۶), "Child Adult Relationship Enhancement in Primary Care: A randomized trial of a parent training for child behavior problems", *Academic Pediatrics*, S1876-2809(16)30330-7.
- Schuman, Shana. L. (۲۰۱۳), "An Exploration of Family Problem-Solving and Affective Involvement as Moderators between Disease Severity and Depressive Symptoms in Adolescents with Inflammatory Bowel Disease", *J Clinical Psycho Med Settings*; ۲۰(۴): ۴۸۸-۴۹۶.
- Shure, M. B. (۲۰۰۰). I Can Problem Solve (ICPS): An Interpersonal Cognitive Problem Solving Program for Children. Affiliated with MCP: Hahnemann University.
- Shure, M. B. (۲۰۰۱). I Can Problem Solve (ICPS): An Interpersonal Cognitive Problem Solving Program for Children. *Residential Treatment for children and You*, ۱۸, ۳- ۱۴.
- Shure, M. B; Healey, K. N. (۱۹۹۳). Interpersonal problem solving and prevention in urban fifth and sixth-grader. Paper presented at the American Psychological Association.
- Siu, A. H; Shek, D. L. (۲۰۰۵). The Chinese version of the social problem-solving inventory: Some initial results on reliability and validity. *Journal of Clinical Psychology*, 71(3), ۳۴۷-۳۶۰.
- Smetana, J. G., & Rote, W. M. (۲۰۱۵). What do mothers want to know about teens' activities? Levels, trajectories, and correlates. *Journal of Adolescence*, ۳۸, ۵-۱۵.
- Tucker, M. C., & Rodriguez, C. M. (۲۰۱۴). Family dysfunction and social isolation as moderators between stress and child physical abuse risk. *Journal of Family Violence*, ۲۹(۲), ۱۷۵-۱۸۶.
- Wymbs, BT., Pelham, WE. (۲۰۱۰). Child Effects on Communication between Parents of Youth with and without ADHD. *J Abnormal Psychology*, 119(۲), ۳۶۶-۳۷۵.
- Zahrt, D.M., Melzer-Lange, M.D. (۲۰۱۱). Aggressive behavior in children and adolescents, *Pediatric Rev*, ۳۲(۸), ۳۲۵-۳۲۶.